

۴۵درصد از مخاطبان تلویزیون «طوبی» را دیدند



مجموعه نمایشی «طوبی» که جزو پرمخاطب ترین مجموعه های تلویزیونی محسوب می شود، با جذب ۴۵درصد مخاطب از میان بینندگان تلویزیونی، توانسته است جامعه آماری ۳۰ میلیون مخاطب را از آن خود کند. به گزارش ایرنا، بر اساس اعلام مرکز تحقیقات رسانه ملی، بیش از ۶۰هزار محتوای تقطیع شده از این سریال که در پنج بستر تلگرام، توئیتر، اینستاگرام، اپا و روبیکا منتشر شده، درمجموع ۴۰۰ میلیون بازدید را به خود اختصاص داده است.

این میزان مشاهده محتوا در فضای مجازی، نشان دهنده استقبال خوب از این مجموعه نمایشی در میان مخاطبان است که «طوبی» را به پربازدیدترین و محبوب ترین سریال رسانه ملی در میان کاربران فضای مجازی در سال ۱۴۰۳ تبدیل کرده است. همچنین تعداد دیدگاه های منتشرشده درباره محتوای مرتبط با سریال، ۶۰۰هزار دیدگاه بوده است و محتواهای تقطیع شده درمجموع ۱۰میلیون لایک از سوی کاربران دریافت کرده است.

پیشکسوت موسیقی مقامی درگذشت



فرامرز رستمی، هنرمند و پیشکسوت موسیقی خراسان شمالی که جزو گنجینه های موسیقی مقامی استان به شمار می رفت، در هشتادویک سالگی دار فانی را وداع گفت. به گزارش ایرنا، بدون تردید تک نوازی و دوتارنوازی کم نظیری او را از سایر هنرمندان هم نسلش متمایز می کرد و اجراهای متعدّدش، نشان از موفقیت او در این عرصه داشت. فرامرز رستمی، دارای درجه یک هنری در بخش ترانه خوانی بود و دارنده افتخارات هنری خواننده، نوازنده دوتار و پیشکسوت و از بزرگان عرصه هنر خراسان شمالی بود. این هنرمند بجنوردی سال گذشته در شانزدهمین جشنواره ملی موسیقی نواحی ایران در بخش «ترانه خوانی» موفق به دریافت درجه یک هنری شد.

«حکایت های کمال» در شهرک غزالی آغاز شد



فصل دوم مجموعه «حکایت های کمال» بعد از شش سال به کارگردانی قدرت... صلح میرزایی در شهرک غزالی آغاز شد. به گزارش ایسنا، فصل دوم مجموعه «حکایت های کمال» روز گذشته در شهرک غزالی آغاز شد. این سریال که تولید فصل اول آن به شش سال گذشته برمی گردد، به تاژگی ساختش با تغییر تهیه کننده آغاز شده است. فصل دوم این مجموعه به تهیه کنندگی محمود سلاسی تولید خواهد شد. این فصل از مجموعه «حکایت های کمال» هم در سی قسمت تولید خواهد شد و با تغییراتی در بازیگران همراه است. سریال شامل پنج فصل صدوپنجاه قسمتی است و در فصل دوم نیز محمود پاک نیت، میرطاهر مظلومی، حمید ابراهیمی، ایرج نوردی، کاظم هیزآزاد، جعفر دهقان، افشین سنگ چاپ، کاظم نوربخش، پورانده خت همچین، آریتا ترکاشوند و سولماز حصارى به ایفای نقش می پردازند. این سریال روایتی از دهه۴۰ است و ساختاری اپیزودیک دارد.

مجموعه مستند «سرزمین پدری» آماده نمایش شد



مجموعه مستندتلویزیونی «سرزمین پدری» به تهیه کنندگی مهدی قربان پور و کارگردانی تعدادانی از کارگردانان شناخته شده سینما و تلویزیون آماده نمایش شد. به گزارش مهر، مستند «سرزمین پدری» در دوازده قسمت و به سفارش سیمافیلم تولید شده است. در هر قسمت از این مجموعه، مخاطبان با یک بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون همراه شده، با سفر به شهر پدری آن هنرمند، از نزدیک با خاطرات شخصی، ریزایی های طبیعی، حیات اجتماعی و اهمیت خاطرات جمعی آشنا می شوند.

«علت مرگ، نامعلوم»، بهترین فیلم جشنواره تورین شد



فیلم سینمایی «علت مرگ، نامعلوم» به کارگردانی علی زرنکار و تهیه کنندگی مجید برگزر، جایزه بهترین فیلم بلند داستانی دوره یازدهم جشنواره ییززمینی تورین را کسب کرد. بنابر اعلام مسئولان جشنواره، سانسس نمایش فیلم «علت مرگ، نامعلوم» در این رویداد دوبرابر شده است. این جشنواره ۲۶ سپتامبر تا ۵ اکتبر (۵مهر تا ۱۴مهر) در شهر تورین ایتالیا برگزار شد. در خلاصه داستان فیلم آمده است، «هفت مسافر پیش از طلوع آفتاب، شهداد را به مقصد کرمان ترک می کنند. میان راه اتفاقی آن ها را از رفتن بازمی دارد».



۴شنبه
۱۴۰۳ - مهر ۲۵
۱۲ ریح قانی ۱۴۴۴
شماره ۵۵۵۵

۱۱



گفت وگو با کارگردان و عوامل فیلم «سرافاز» که در گروه هنروتجربه اکران شده است

ساخت اثری متفاوت با ظرفیت های مشهد

شکیبا افخمی راد

گزارش روز

فیلم سینمایی «سرافاز» که این روزها در گروه هنروتجربه سینمای ایران روی پرده رفته، اثر سعید حسینی فیلم ساز مشهدی است؛ فیلمی که با تمرکز بر موضوعات علمی و روان شناختی، در تلاش است درک بهتری از پیچیدگی های ذهن انسانی ارائه دهد. «سرافاز»، که پیش از این در برخی جشنواره های سینمایی از اروپا تا آمریکا اکران شده بود، اکنون در مشهد جلوی دوربین رفته است و گروهی از هنرمندان شهرمان هم در مراحل تولید آن با سعید حسینی همکاری کرده اند؛ البته در این مسیر حمایت چندانی از آن ها نشده است. آنچه در ادامه می خوانید، گفت وگوی ما با سعید حسینی و برخی عوامل فیلم است.

اثری جهان شمول



سعید حسینی فیلم «سرافاز» را اثری جهان شمول معرفی می کند که به بسیاری از موضوعات در حوزه فیزیک، روان شناسی، جامعه شناسی و... می پردازد. ایده اولیه این فیلم نیز برپایه حالتی در روان شناسی به نام دژاوو یا آشنابرداری شکل گرفته است؛ یعنی حالتی که احساس می کنیم قبلا در یک مکان حضور داشته ایم یا اتفاقی را تجربه کرده ایم. حسینی می گوید زمانی که این ایده به ذهنش رسیده، مطالعات خود را گسترده کرده و به یک تئوری شخصی دست یافته است؛ تئوری ای برپایه اینکه شاید موضوع آشنابرداری با ابعاد دیگر هستی در ارتباط باشد. او از این تئوری به ایده جهان های موازی که برخی دانشمندان بزرگ نیز به آن پرداخته اند، رسیده است. این کارگردان با اشاره به فیلم های فاجوری که در سینمای دنیا با محوریت جهان های موازی ساخته شده اند، یادآوری می کند، ازانجایی که ما زائر علمی و تخیلی در ایران داریم، برای اینکه مردم بیشتر با فیلم ارتباط برقرار کنند، موضوع را ایرانیزه و فضای رئال داستان را بیشتر کردیم. در داستان ما کاراکتری وجود دارد که نمی تواند با تروماها و اتفاقات نابهنگام و دردآور زندگی اش کنار بیاید. از این رو مدام چه به صورت خودآگاه و چه ناخودآگاه اتفاقات را در ذهنش مرور می کند؛ اتفاقی که یک نوع مکانیسم دفاعی در روان شناسی محسوب می شود. به گفته حسینی، مخاطب در طول فیلم «سرافاز» با چهار قصه روبه رو می شود که به صورت موازی پیش می روند و ارتباط تنگاتنگی باهم دارند.

اودرباره ارتباط مخاطب باثاری که روایتشان تک خطی نیست، نیز می گوید: متأسفانه همکاران و دوستان ما، مخاطبان را به دیدن فیلم هایی با روایت ساده عادت داده اند و سطح سلیقه شان را پایین آورده اند. اما ازانجایی که سیستم کلی زندگی من بر این پایه است که ساده باشیم و آن کاری را که دیگران انجام داده اند انجام ندهم، به سراغ ساخت «سرافاز» و نوع جدیدی از روایت قصه رفتم؛ البته قصه هایی که در فیلم تعریف شده، برای همه ملموس است؛ یعنی فضا به گونه ای نیست که فقط مخاطب خاص با آن ارتباط برقرار کند.

فیلمی کاملاً بومی

حسینی پروژه «سرافاز» را اواخر سال ۱۳۹۸ شروع کرد و حدود سه سال درگیر فیلم نامه و مراحل تولید آن بود. او در این فیلم که به طور کامل در مشهد فیلم برداری شده، از بازیگران ناشناس استفاده کرده و حدود سه ماه مشغول تمرین با آن ها بوده است. درباره این تصمیم

خود می گوید: من می خواستم بکر بودن فیلم نامه و نوع روایت، در گروه بازیگران هم وجود داشته باشد، از همین رو به سراغ بازیگرانی رفتم که مخاطب، شناختی از آن ها ندارد. کارگردان شهرمان، «سرافاز» را اثری بومی معرفی و یادآوری می کند: من می توانستم به تهران بروم و با بازیگران چهره و همه رفقای که در سینمای الف کار می کنند، فیلمم را بسازم، ولی ازانجایی که دوست داشتم از توانایی بچه های شهر خودم در اترم بهره بگیرم، همه عواملم را از مشهد انتخاب کردم.

حسینی درباره هزینه های ساخت فیلم «سرافاز» نیز بیان می کند: ابتدا قرار بود مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی از «سرافاز» حمایت مالی کند، اما درنهایت بودجه ای به فیلم اختصاص پیدا نکرد. ما نیز چون در بجه وحه ساخت فیلم بودیم، نمی توانستیم کار را متوقف کنیم و با بودجه شخصی آن را پیش بردیم. او که برای ساخت فیلمش، حمایتی از مسئولان مشهد ندیده است، ادامه می دهد: در آن دوران، مرکز گسترش اعلام کرد که باید از مشهد تأیید شویم؛ اتفاقی که محقق نشد، حتی من نامه ای از مکاتبات بین مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی با مشهد در اختیار دارم که در آن آمده است: «سعید حسینی توانایی ساخت فیلم سرافاز را ندارد؛ به همین دلیل بودجه ای به فیلمش تخصیص داده نمی شود». با این حال ما فیلم مان را ساختیم و به مرحله اکران رساندیم تا هم توانایی هایمان را ثابت کنیم و هم نشان دهیم که این صحبت فقط یک بازی برای حمایت نکردن است. این هنرمند همچنین درباره تبلیغات فیلمش در سطح مشهد بیان می کند: با پیگیری های زیاد خود من، چند بنر در سطح شهر برای فیلم نصب شد اما این بنرها بعد از سه روز به دلیل وقایع اخیر جمع آوری شد. درواقع ما هیچ گونه تبلیغاتی در شهرمان نداریم و شهرداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هم کاری برایمان انجام نمی دهند.

هنروتجربه؛ بازوی قوی سینمای ایران

حسینی که فیلمش در گروه هنروتجربه اکران شده است، این گروه را بازویی قوی برای بدنه اصلی سینما می داند. او همچنین به این نکته اشاره می کند که سازمان سینمایی برای معرفی فیلم به اسکار، مجبور شده است سه فیلم از هنروتجربه را در میان نامزد های نهایی خود قرار دهد؛ چون سینمای بدنه به جز فیلم های کمدی، چیزی برای ارائه نداشته است. حسینی این اتفاق را فاجعه می داند و باور دارد که اگر این روند ادامه پیدا کند، کمتر از یک دهه دیگر، سینمایی در کشور ما وجود نخواهد داشت. به گفته این کارگردان مشهدی، گروه هنر و تجربه در

مسیر درستی حرکت می کند ولی حمایت نمی شود. حسینی ادامه می دهد: سالن هایی که فیلم های هنروتجربه را اکران می کنند، بدترین سالن ها هستند. همچنین بدترین روزها و سانس ها برای این آثار در نظر گرفته می شود، البته مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در این اتفاق، بی تقصیر است و درحقیقت توانی برای مبارزه با مافیا ندارد. او با اشاره به چارت فروش سینمای هنروتجربه بیان می کند: فیلم «شهر خاموش» که یکی از سه نامزد معرفی به اسکار بوده، در یک روز درکل ایران فقط دو بلیت فروخته است، درحالی که ما می بینیم فیلم های کمدی و سیخف، رکورد فروش روزانه را جابه جایی کنند. به نظر حسینی، در این وضعیت هنرمندان مستقل و فعال در گروه هنروتجربه کم کم امیدشان را از دست می دهند و به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند یا منزوی می شوند و دیگر کار نمی سازند.

این کارگردان که باور دارد فیلم سازان گروه هنروتجربه بر لبه تیغ راه می روند، یادآوری می کند: بیشتر فیلم سازانی که در گروه هنروتجربه فعالیت می کنند، به دلیل اینکه به خواسته های تهیه کننده های فیلم های گیشه پسند تن نداده اند، مجبورند خودشان، سرمایه گذار آثارشان باشند. آن ها می دانند که در ۸۰درصد مواقع هزینه هایشان برنمی گردد، اما چون دغدغه دارند و یک مسئولیت اجتماعی را بر دوش خود حس می کنند، در این مسیر پا می گذارند. در این بین حداقل خواسته بچه های هنروتجربه از مردم و مخاطبان این است که حمایتشان کنند تا بتوانند این راه را ادامه دهند.

او ادامه می دهد: برای من پول ارزشی ندارد. اما نگرشی که به فیلم های هنروتجربه وجود دارد، مرا دلسرد کرده است، به طوری که اگر به عقب برگردم، دیگر فیلمی در این گروه نمی سازم.

چالش های ساخت فیلم در شهرستان ها

شهاب کاظمی، تهیه کننده «سرافاز» که تجربه همکاری با آثار مختلف گیشه ای و آوانگارد را در کارنامه خود دارد، درباره حضورش در این پروژه بیان می کند: من چندی پیش، مجری طرح سریالی به اسم «احضار» بودم که داستان و محتوایش به لحاظ اجراییسار شبیه «سرافاز» بود. از این رو و باتوجه به اینکه می خواستم از فضای سینمای تجاری دور باشم و کار متفاوت تری انجام دهم، حضور در فیلم «سرافاز» را پذیرفتم. او با اشاره به مخاطب کمتر سینمای هنری و تجربی در مقایسه با سینمای تجاری در همه دنیا می گوید، در

تنزل ساخت سینما

درباره فیلم سینمایی «قیف»، به کارگردانی محسن امیر یوسفی



است که خودش را می بلعد و با شوخی های نامتعارفی که حتی از خنداندن مخاطب هم عاجزند، از شان سینما می کاهد. طبعاً صرف خنداندن مخاطب، نمی تواند فضیلتی برای یک فیلم باشد، اما تلاش ناموفق برای خنداندن و دست اندازی بی ثمر به هر روشی برای خنده گرفتن از بیننده، نمره منفی برای هر اثر سینمایی به شمار می رود.

و جوه مختلف لودگی و تلاش برای ارائه شوخی های اروتیک در «قیف»، به قدری کنترل نشده و عریان هستند که نمی توانیم آن ها را صرفاً تمهیدی برای جلب مخاطب یا برش هایی که از دست سازندگان اثر لیز خورده اند، قلمداد کنیم. به طور مشخص، سکاسن هایی از این اثر که با بازی حسین عابدینی به شکل زن پوش مقابل دوربین رفته، وهن سینماست و مشخص نیست که چطور از فیلتر نظارت و ارزیابی

هر کشور، سازوکار خاصی برای اکران فیلم های هنری در نظر گرفته شده است؛ برای مثال در فرانسه تعداد مشخصی از سینماها همواره آثار هنری را روی پرده می برند. در ایران هم ما ساختاری به نام هنروتجربه داریم که اختیاری در نحوه اکران فیلم ها ندارد و این سینماداران هستند که تصمیم می گیرند چه فیلمی، چه مدتی و در چه ساعت و روزی روی پرده برود. تهیه کننده فیلم «سرافاز»، اکران هم زمان فیلم های هنروتجربه در بیست سالن و سانس را لازم نمی داند و معتقد است که مثل گذشته باید برخی سینماها در اختیار این گروه قرار گیرد تا مخاطب هم بداند برای تماشای فیلم های هنری باید به کدام سینماها مراجعه کند. کاظمی در بخش دیگری از صحبت هایش، درباره چالش های ساخت فیلم در مشهد بیان می کند: در شهرستان ها، امکانات سخت افزاری و نرم افزاری نسبت به تهران کمتر و روند صدور مجوزها نیز سخت تر است. از سوی دیگر وقتی قصد دارید همه عوامل را از یک شهرستان انتخاب کنید، گزینه هایتان محدود می شود، درحالی که در تهران به افراد زیادی دسترسی دارید. درمجموع اگر بخواهید کاری را صددرصد در شهرستان و با عوامل بومی جلوی دوربین ببرید، دشوار است. اما این اتفاق اگر به سرانجام برسد، می تواند به پیشرفت و شناخته شدن افراد بومی آن شهر و استان منجر شود.

ارتباط مخاطب با «سرافاز»

مهدی تیرگر، یکی از بازیگران فیلم «سرافاز»، جذابیت موضوع جهان های موازی و دوستی با کارگردان را دو علت اصلی حضورش در این پروژه بیان می کند. او همچنین استقبال مخاطبان از فیلم «سرافاز» را باتوجه به محدود

بودن سانس های اکران، موضوعی پذیرفتنی می داند

و تأکید می کند؛ شاید اگر فیلم ما در دهه ۸۰ اکران می شد، بازخورد های آن را نمی گرفت اما مخاطب امروز تحت تأثیر رسانه ها و فضای مجازی به نبوغی رسیده است که فیلم های ساخته شده در فضا های مختلف را به خوبی درک می کند.

تیرگر که باور دارد جوانان نخبه فعال در شهرستان ها می توانند ساختار سینمای کشور را تغییر دهند، درباره ساخت فیلم «سرافاز» در مشهد بیان می کند: آقای حسینی در دوران کرونا توانست کاری را که همه می گفتند در مشهد امکان انجامش وجود ندارد، به خوبی عملی کند. این اتفاق، مساعدتی برای شهرمان است و مسئولان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی باید برای آن ارزش قائل شوند.

بازی های خنثی

رضا عطاران در «رقیف»، شبی از آن شخصیت شیرین و محبوب را جلوی دوربین می برد و نکته تازه ای در اجرای عباس جمشیدی فر نیز به چشم نمی خورد. استفاده از فریده سیاه منصور و گیتی معینی در نقش های اصلی و مکمل زن این فیلم، ضمن اینکه پذیرفتنی و متوسط به نظر می رسد، نشان دهنده فقر بازیگر زن پایه سن گذشته در سینمای ایران است. غلامرضا نیکخواه، محمود نظرعلیان و تورج نصر نیز با اجرا های ضعیف و ناامیدکننده، در حد و اندازه هایی ظاهر می شوند که فقط می توان آن را فاجعه خواند.

محمد عنبر سوز

تازه ترین ساخته محسن امیر یوسفی، اثری در گونه کمدی است که به دلیل تیم سازنده و حضور رضا عطاران، کنجکاو مخاطبان را برمی انگیزد، اما درنهایت بیشتر آن ها را ناامید می کند.

مسافری از فضا

«قیف»، اثری متفاوت در ژانر کمدی رایج در سینمای ایران به حساب می آید. اما این متفاوت بودن، مطلقاً متضمن معنای مثبتی نیست و حتی شاید بتوان گفت که از سینمای بدنه ایران هم عقب تر است. فیلم، روایتگر قصه ای درباره یک موجود فضایی به همین نام است که از فضا به کره زمین آمده است تا از دواج کند، خودش را از طلسمی سیاه برهاند و به سیاره اش بازگردد، اما همسری که مدنظر دارد، حاضر به ترک زمین نیست و همین موضوع باعث می شود که قیف با دشمنان فضایی خود درگیر شود. این پی رنگ ساده قصه ای است که بیشتر متناسب با یک فیلم تخیلی و فانتزی به نظر می رسد، ضمن اینکه پرداخت بصری، استفاده از گریم های سنگین و رنگ های جیغ نیز به تبدیل کردن پوسته این اثر به محصولی تنزل یافته، منجر شده است. اساساً چیزی به نام طراحی هنری و به کار بستن ظرافت در طراحی صحنه و لباس و گریم در این فیلم به چشم نمی خورد و اجرا در نهایت سهل انگاری صورت پذیرفته است؛ به همین دلیل ساختار این اثر به قدری مندرس از آب درآمده است

کل به خودی

به طور کلی «قیف»، فیلمی با ژست روشن فکرنامه